

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ناهید "غزل" غنی زاده
ویرجنیا – هفتم جون ۲۰۱۴

سفر خیال من

گاهگاهی به شهری سفر میکنم، که ارتباط اندیشه، افکار، خیالات و تفکرات مرا با تمامی سرزمینهای جهان قطع میکند:

آنجا خواب در قاموس هستی وجود ندارد؛

آنجا کار و پیکار در بطن صفر خفته است؛

آنجا خشم و کین در ژرفای تاریک حفره فراموشی پنهان است؛

آنجا همیشه بهار است و نیلوفرهای عشق روی دریاچه های احساس میشگفتند و شناور میشوند. نشستن کنار آب و به مستی ماهیان نگرستن لحظات خواستنی و زیبایی من است، که به آن قرین گشتم.

امواج آب میان دریاچه ها خونسرد و آرام در حرکت اند. نیلوفری را از روی آب برمیدارم، تا آذین موهایم سازم و چون دست بلند مینمایم خون سرخ قطره قطره از لای انگشتانم روی گیاهان کنار دریاچه میریزد. جسم ماهیان بیگانه را روی سطح آب شناور میبینم. از جای تکان میخورم و فریاد میزنم، شاید عبورگاهی را اشتباه پیموده ام.

آرامشی شگفت در آن فضای ملال آور پیچیده است و جنازه ها روی شانه ها حمل میشوند و از چند قدمی من عبور میکنند. جسد ها مخلوطی از اعضای ناشناخته اند، جمعیتی از عقب جنازه ها روان است و کس هرگز نمیداند، عزیزش در کدام یکی از صندوقهای چوبی خفته است و کس هم نمیداند، به چه تعدادی از آن تابوتهای سنگین را مالک است و کس هم نمیفهمد روی بستر کدام قبر شاخه گلی گذارد و با دیده آبش دهد.

جمعیتی باهم در سکوت می‌رود تا پرسشهای بی پاسخ خود را در قبرستان اعضاء بیابد. و
من دوباره به ماهیان بیگانه مینگرم و در میابم، که سفر خیال مرا جز به سرزمین پردرد
و زادگاه رنجور خودم جای دگر نبرده است!!!

(ناهید "غزل" غنی زاده - ۲۸ دسمبر ۲۰۱۱)